

The Effect of Men's Emotional Intelligence on Violence against Women among Married Couples

بررسی تأثیر هوش هیجانی مردان بر خشونت علیه زنان در بین زوجین متأهل

Tayebeh Jafarian.M.A.

Social work, Social work group, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran

Mansour Fathi. Ph.D.

Social work group, Academic member, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran

Maliheh Arshi. Ph.D.

Social work group, Academic member, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran

Ramazan Ali Ghaderi. Ph.D.

Social work group, Academic member, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran

Abstract

The purpose of the present research was to determine the effect of men's emotional intelligence on violence against women among married couples in Tabas. The research method was correlational. The population included all married couples who had at least one year of marital life in Tabas in 2014. From among them, 230 married couples (230 females and 230 males) were randomly selected via multi-stage cluster sampling from 5 areas of the city. Male partners completed Emotional Intelligence Questionnaire (Bradberry & Greaves, 2003) and female partners completed Violence against Women Questionnaire (Haj Yahia, 1999). The data were analyzed using Pearson correlation and multi steps regression analysis. The results showed that the components of self-awareness, self-management, social awareness, and relationship management had significant effect on violence against women ($P < 0.01$). Based on these results, men with high emotional intelligence impose less violent against their wives.

Keywords: emotional intelligence, violence against women, Tabas city

طیبه جعفریان*

کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی، گروه مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران

منصور فتحی

گروه مددکاری اجتماعی، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

ملیحه ارشی

گروه مددکاری اجتماعی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران

رمضانعلی قادری

گروه مددکاری اجتماعی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران

چکیده

هدف این پژوهش، تعیین اثر هوش هیجانی مردان بر خشونت علیه زنان در بین زوج‌های متأهل شهر طبس بود. روش این پژوهش از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل همه زوج‌های متأهل شهر طبس در سال ۱۳۹۳ بود که حداقل یک سال از ازدواج آنان گذشته بود. با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای تعداد ۲۳۰ زوج (۲۳۰ زن، ۲۳۰ مرد) از ۵ منطقه شهر طبس انتخاب شدند. مردان پرسشنامه هوش هیجانی (برادبری و گریوز، ۲۰۰۳) و زنان پرسشنامه خشونت علیه زنان (حاج یحیی، ۱۹۹۹) را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل گردید. نتایج نشان داد که اثر مؤلفه‌های خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه، بر خشونت علیه زنان معنادار است ($P < 0.01$). براساس نتایج این پژوهش مردانی که از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند، نسبت به همسر خود خشونت کمتری را اعمال می‌کنند. **واژه‌های کلیدی:** هوش هیجانی، خشونت علیه زنان، شهر طبس.

* نویسنده مسئول: tayebejafarian@gmail.com

پذیرش ۹۳/۱۰/۸

وصول ۹۳/۱۰/۷

مقدمه

خشونت خانگی^۱، مشکل شایع بهداشت عمومی در سراسر دنیا است که کودک‌آزاری، همسرآزاری و بدرفتاری نسبت به سالمند را در برمی‌گیرد؛ اما مهمترین نوع خشونت در خانواده، خشونتی است که مردان با آن قدرت اجتماعی یا فیزیکی خود را بر زنان اعمال می‌کنند (گیدنز^۲، ۱۹۹۷). در این خصوص اولین بررسی‌ها در مورد خشونت خانگی مربوط به خشونت بدنی بود، اما در طول زمان انواع دیگر خشونت خانگی (روانی، اقتصادی، اجتماعی و...) مورد توجه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان قرار گرفت (آبوت و والاس^۳، ۲۰۰۱).

بنابر پژوهش‌های انجام‌شده در ایران، به‌طور کلی شونت‌های روانی مانند توهین، استفاده از الفاظ رکیک، تحقیر و غیره بیش از خشونت‌های جسمی رواج دارد که آثار آن برخلاف خشونت جسمی به‌سرعت آشکار نمی‌شود. با وجود این، در طولانی‌مدت تأثیرات مخرب فراوانی در پی دارد. همچنین در این بین، قهر و کم‌محللی از همه شایع‌تر بود، به‌گونه‌ای که ۶۳ درصد از آن رنج می‌برند (احمدی و زنگنه، ۱۳۸۳).

از طرف دیگر بدرفتاری با زنان، خشونت و ضرب و شتم و ایجاد فشارهای روانی علیه آنان موضوع جدیدی نیست. در کشور ما، از نیمه دوم دهه ۷۰ تا به حال، ابعاد این پدیده به‌قدری گسترده شده که به‌صورت یک مسأله و آسیب اجتماعی نمود پیدا کرده است. امروزه خشونت علیه زنان مرزهای فرهنگی، تحصیلی و شغلی را درنوردیده، به‌طوری که شاهد انواع خشونت از طرف مردان بر زنان در تمامی مقاطع تحصیلی و شغلی بوده و با مراجعه به جراید کثیرالانتشار، دادگاه‌های خانواده، مشاهدات تجربی و مروری بر اخبارهای رسمی و غیررسمی می‌توان به روند رشد فزاینده این پدیده پنهان در مناطق مختلف کشور پی برد (خانی، ۱۳۸۶).

همچنین در مناطق مختلف جامعه ما به دلیل اینکه اساساً خشونت علیه زنان امری پنهان بوده و شدیداً از سوی زن یا خانواده او کتمان می‌شود، آمار دقیقی از پدیده همسرآزاری در دست نیست. در ایران، زنان بر اثر فشارهای سنتی هزار ساله که دامنه‌ای وسیع دارد، یاد گرفته‌اند که بخش عمده‌ای از وضعیت خشونت‌بار زندگی خود را از دیگران بپوشانند. آنها به‌خصوص، از مراجعه به مراکز قضایی و خدمات‌رسانی خودداری می‌کنند و هنگامی لب به شکایت می‌کشایند و کمک می‌طلبند که تمامی امیدهای خود را از دست داده باشند.

خشونت علیه زنان در تمام فرایند زندگی آنان - از کودکی تا هنگام مرگ - وجود دارد به طوری که، زنان ایرانی در فضای زندگی پدری زیر سلطه پدر، برادر، شوهر خواهر و غیره به‌سر می‌برند؛ در فضای زندگی زناشویی زیر سلطه شوهر و اقوام او هستند؛ در فضای زندگی شغلی زیر سلطه سلیقه‌های مردسالار رؤسا و مدیران مذکر، روزگار می‌گذرانند و در فضای زندگی اجتماعی نیز زیر سلطه سنت‌های زن‌ستیز احساس ناامنی می‌کنند؛ با این حال، چنان در بافت ذهنی و رفتاری خود تسلیم خشونت شده‌اند که کمتر واکنش نشان می‌دهند (امینی، ۱۳۸۸).

نتایج مطالعه سازمان بهداشت جهانی^۴ در سال ۲۰۰۷ بر روی چندین کشور نشان می‌دهد که از هر ۵ سال زندگی سالم زنان، ۱ سال به علت صدمه، بیماری یا مرگ زودرس ناشی از خشونت از دست می‌رود. نتایج مطالعه‌ای در آمریکا نشان می‌دهد که سالیانه بیش از نیم میلیون مراجعه به بخش اورژانس بیمارستان‌ها و یک میلیون معاینه سرپایی به دنبال همسرآزاری در آن کشور اتفاق می‌افتد. براساس یافته‌های پیمایش ملی قربانی شدن زنان در آمریکا، تقریباً - از زنان مورد پژوهش نشان داده‌اند که در طول عمرشان از سوی شریک جنسی مورد حمله یا تجاوز قرار گرفته‌اند. شواهد و مدارک نشان می‌دهد که در سالهای اخیر خشونت‌های خانوادگی افزایش یافته، به‌طوری که در آمریکا میزان جرایم خشونت‌آمیز در خانواده حدود ۲۹ درصد نسبت به سایر محیط‌های اجتماعی بیشتر شده است. زنان حدود ۸۵ درصد قربانیان خشونت خانوادگی هستند (مرادی و زندی، ۱۳۸۶). در ایران نیز خشونت خانوادگی از همان سالهای آغاز ازدواج شروع می‌شود. به‌طور مثال در مصاحبه با زنانی که به مراکز مشاوره بهزیستی مراجعه کرده بودند، مشخص شد که حدود ۷۰ درصد از زنان مورد خشونت همسران خود قرار گرفته بودند و مشاجرات خانوادگی جزئی از زندگی روزمره آنها بود و حتی - از زنان از شب اول ازدواج شاهد خشونت بودند (اعزازی، ۱۳۸۳).

یکی از عواملی که با اعمال خشونت علیه همسر مرتبط است، هوش هیجانی^۵ است. در خصوص هوش هیجانی و تأثیرات آن بر کیفیت زندگی، موفقیت شغلی و تحصیلی، مقاومت در برابر استرس، سلامتی و کیفیت روابط اجتماعی و ازدواجی اخیراً پژوهش‌های گسترده‌ای صورت گرفته است. این مطالعات از تأثیر هوش هیجانی بر موفقیت و شادکامی در زندگی حکایت دارد (نلیس و همکاران^۶، ۲۰۰۹) شواهد فراوان

1. Domestic Violence
3. Abbott & Wallace
5. emotional intelligence

2. Giddens
4. WHO (World Health Organization)
6. Nelis & etc

وقایعی خوشایند و مسرت‌بخش چون موفقیت در به‌دست آوردن شغلی خوب تا وقایعی مصیبت‌بار چون از دست دادن عضوی از اعضای خانواده و از دست دادن شغلی مناسب، ماحصل زندگی در نحوه برخورد با هر یک از این وقایع و سازگار شدن با آنها است. با این حال برخورداری از میزان بهینه‌ای از هوش هیجانی کارگشاست و باعث صرف کمترین هزینه روانی در وقایع منفی و کسب بیشترین نفع از وقایع مثبت می‌شود. در کل افرادی که هوش هیجانی پایین دارند، در رویارویی با تنش‌زاهای زندگی، سازگاری و انطباق ضعیف‌تری خواهند داشت و در نتیجه بیشتر به افسردگی، ناامیدی و دیگر پیامدهای منفی زندگی مبتلا می‌شوند. بر عکس افرادی که هوش هیجانی بالایی دارند، سبک زندگی خود را به‌گونه‌ای ترتیب می‌دهند که پیامدهای منفی کمتری را احساس می‌کنند. آنها همچنین در ایجاد و حفظ روابط کیفی بالا مهارت دارند. به‌طور کلی هوش هیجانی با وقایع و پیامدهای زندگی ارتباط دارد و به افراد در فهم و پیش‌بینی جنبه‌های گوناگون زندگی روزمره کمک می‌کند (کیاروچی، فورگاس، مایر، ۲۰۰۶).

با توجه به پژوهش‌های پیشین، پژوهشی با این عنوان و با این نمونه انجام نشده است، اما پژوهش‌های فراوانی رابطه هوش هیجانی را با رضایتمندی در زندگی زناشویی و نقش هوش هیجانی را در سلامت روان بررسی کرده‌اند. رحمانی و قیصری‌پور (۱۳۸۶) در پژوهشی به بررسی رابطه هوش هیجانی با رضایتمندی زناشویی در زوج‌های ۳۰ تا ۵۰ ساله شهر تهران پرداختند و تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین هوش هیجانی و رضایتمندی ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین در مطالعه‌ای یاراحمدیان و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان تأثیر آموزش هوش هیجانی بر سازگاری زناشویی زوج‌های جوان، به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های زندگی و هوش هیجانی تأثیر معناداری بر سازگاری زناشویی و مؤلفه‌های آن (رضایت دوتایی، توافق دوتایی، همبستگی دوتایی و بیان محبت‌آمیز) در زوج‌های جوان دارد. بنابراین هوش هیجانی در رضایت زناشویی زوجین مؤثر است. در پژوهش دیگری که رقیبی و قره‌چاهی در سال ۱۳۹۲ با عنوان بررسی رابطه بین هوش هیجانی در زنان و مردان در شرف طلاق و سازگار انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که هوش هیجانی در زوج‌های سازگار نسبت به زوج‌های در شرف طلاق وضعیت بهتری دارد.

همچنین در پژوهشی که اورتس و تور-آنین^۵ (۲۰۰۸)، با هدف تأثیر هوش هیجانی بر سازگاری در زندگی ۲۸۶ زوج در

نشان می‌دهد که زوج‌ها در جامعه امروزی برای برقراری و حفظ روابط صمیمی و درک احساسات از طرف همسرشان با مشکلات فراگیر و متعددی روبه‌رو هستند. بدیهی است که کمبودهای موجود در کفایت‌های عاطفی و هیجانی همسران در کنار عوامل متعدد دیگر، تأثیرات نامطلوبی بر زندگی مشترک آنها می‌گذارد که می‌توان به کمبودهایی در توانایی «خودآگاهی»، «خویشتن‌داری»، «همدلی» و «توانایی تسکین دادن یکدیگر» اشاره کرد. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که «هوش هیجانی» توان تحمل تندگی و حل مشکلات روزانه را افزایش می‌دهد و این مهارت‌های شخصی فرد را در مقابله با فشارهای ناگهانی محیطی، موفق می‌سازد (محرابیان، ۲۰۰۰). بنابراین مردانی که هوش هیجانی بالایی دارند، می‌توانند احساسات خود را به‌خوبی هدایت و بر هیجان خود غلبه کنند. ازدواج و زندگی زناشویی یک بافت سرشار از هیجان است. در ازدواج‌هایی که در آنها همسران با یکدیگر در تعارض و تضاد باشند، برانگیختگی‌های هیجانی زیادتری دیده می‌شود. به عبارت دیگر، بیشتر تعارض‌ها و اختلافات بین همسران به دلیل برانگیختگی‌های هیجانی به وجود می‌آیند. همان‌طور که ارزیابی‌های فیزیولوژیکی این موضوع را نشان می‌دهند. پژوهشگران دریافته‌اند که ارتباط باثبات و معناداری بین تفاوت‌های فردی در توانایی ابراز دقیق و صحیح هیجان‌ها، تشخیص هیجان‌ها با شادی‌های زندگی و روابط زناشویی مطلوب وجود دارد. برای مثال نولر^۳ و همکارانش نشان داده‌اند که زوج‌های خرسند در مقایسه با زوج‌هایی که رابطه زناشویی خوبی با هم ندارند، احساس همدلی بیشتری نسبت به هم نشان می‌دهند و نسبت به احساسات یکدیگر حساسیت بیشتری به خرج می‌دهند. هم زوج‌هایی که از با هم بودن احساس خوشبختی می‌کنند و از زندگی خود راضی هستند و هم زوج‌هایی که با هم اختلاف دارند، هر دو گروه تمایل دارند تا هیجانی را که در طرف مقابل نسبت به خود احساس می‌کنند، به نحوی جبران و مقابله به مثل کنند؛ به‌خصوص در زوج‌هایی که از هم راضی نیستند و انتظارات نادرستی از یکدیگر دارند. این زوج‌ها پیام‌های هیجانی خنثی یا نسبتاً منفی نسبت به یکدیگر بروز می‌دهند که سبب ایجاد خشم و عصبانیت در هر دو، نسبت به طرف مقابل می‌شود (کیاروچی، فورگاس، مایر، ۲۰۰۴) و نظر به آنکه هوش هیجانی، توانایی درک، توصیف، دریافت و مهار هیجان‌ها را در بر می‌گیرد و با توجه به اینکه وقایع زندگی ممکن است مثبت یا منفی باشند،

1. self-awareness
3. Noler
5. Ortese & Tor -Anyin

2. empathy
4. Ciarrochi, Forgas, Mayer

۴- آگاهی اجتماعی مردان بر خشونت علیه زنان تأثیر معناداری دارد.

روش

روش پژوهش، جامعه و نمونه آماری: این پژوهش از نوع مطالعه همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش را همه زنان و مردان متأهل شهر طبرس در سال ۹۳ تشکیل می‌داد. حجم نمونه با استفاده از ضریب همبستگی مطالعات قبلی ۲۳۰ پرسشنامه مشخص شد. از آنجا که واحد تحلیل زوج بود، ۲۳۰ زوج و در نهایت ۴۶۰ پرسشنامه در نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. بنابراین ۲۳۰ پرسشنامه خشونت علیه زنان را زنان و ۲۳۰ پرسشنامه هوش هیجانی را همسران آنها پاسخ دادند. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود، به این ترتیب که ابتدا از بین مناطق شهر طبرس ۵ منطقه به تناسب جمعیت، به‌طور تصادفی انتخاب و از بین این مناطق به‌صورت تصادفی چند خیابان و در نهایت از بین پلاک‌ها به‌صورت تصادفی واحدهای تحلیل انتخاب شدند و در صورتی که ملاک‌های ورود را داشتند، در نمونه جای گرفته و در غیر این صورت پلاک تصادفی دیگری جایگزین می‌شد.

ملاک‌های ورود آزمودنی‌ها به پژوهش، عبارت بودند از:

- ۱- زوجین متأهل که حداقل سابقه یک سال زندگی مشترک را داشته باشند. (در دوره نامزدی و متارکه نباشند) ۲- اهل شهر طبرس باشند. ۳- حداقل سواد خواندن و نوشتن را داشته باشند. همچنین ملاک‌های خروج آزمودنی‌ها از پژوهش عبارت بودند از: ۱- رضایت ندادن و تمایل نداشتن برای شرکت در پژوهش ۲- انصراف آزمودنی پس از پاسخدهی به پرسش‌ها و تقاضای آزمودنی مبنی بر اینکه داده‌هایش در پژوهش شرکت داده نشوند. ۳- داشتن اختلال ذهنی بارز و مشهود (قابل مشاهده) ۴- داشتن معلولیت جسمانی.

ابزار سنجش

مقیاس سنجش خشونت علیه زنان: برای بررسی خشونت علیه زنان از پرسشنامه سنجش خشونت نسبت به زنان حاجی یحیی^۴ (۲۰۰۱) استفاده شده است که این پرسشنامه از چند پرسشنامه دیگر از جمله پرسشنامه مقیاس شیوه تعارض (CTS)^۵ اشتراوس^۶ (۱۹۸۰)، پرسشنامه خشونت روان‌شناختی زنان تولمن^۷ (۱۹۹۰)، سنجش همسرآزاری رادبری و فانتوزو^۸

نیجریه انجام دادند، نتایج نشان داد که مهارت‌های مدیریت هیجانی، مهارت‌های حساسیت هیجانی و مهارت ارتباط اجتماعی در زوج‌های سازگار، بالا بوده است.

هالی، یابیکو و بنین^۱ (۲۰۰۶)، در پژوهشی که با هدف بررسی ارتباط بین هوش هیجانی و طلاق انجام دادند، نشان داد که بین عامل هوش هیجانی و میزان طلاق رابطه معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های پژوهش اسمیت، کیاروچی و هیون^۲ (۲۰۰۸) در نمونه‌ای مشتمل بر ۴۵ زوج، به این نتیجه رسیدند که هوش هیجانی و رضایت از زندگی رابطه مثبت و معناداری دارند.

بنابر پژوهش‌های مطرح‌شده هوش هیجانی تأثیر بسزایی در زندگی زناشویی و رضایت از زندگی دارد. بنابراین در این پژوهش ارتباط این متغیر با ابراز خشونت (روانی، اقتصادی، فیزیکی و جنسی) علیه همسر در بین مردان، مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ چرا که وجود مشکلات هیجانی نقش مهمی در تهدید سلامت روانی در آحاد جامعه دارد و به سهم خود سلامت روانی خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین با توجه به عمومیت، هزینه و پیامدهایی که خشونت با خود به همراه می‌آورد و با شناخت عامل هوش هیجانی مردان که ممکن است در اعمال خشونت دخیل باشد، ضرورت و اهمیت مطالعه آن روشن می‌شود. چرا که با پژوهش درباره این پدیده می‌توان از وجود آن در جامعه آگاه شد، نسبت به مسأله شناخت پیدا کرد و با ارتقای سطح آگاهی مردم می‌توان در خصوص کاهش خشونت علیه زنان گام‌های مؤثری برداشت. همچنین، نتایج حاصل از این پژوهش در ارتقای و بهبود وضعیت زنان خشونت‌دیده مؤثر است و برای مجریان و دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی اجتماعی نیز اهمیت و فایده بسیاری دارد. چرا که وجود خشونت در خانواده عوارض مخرب و همه‌گیری در سطح خانواده و اجتماع دارد و در نتیجه لزوم توجه به زنان خشونت‌دیده و تدوین راهبردهای مناسب به‌منظور کاهش آن ضروری به نظر می‌رسد.

بدین منظور فرضیه‌های زیر طرح شد:

- ۱- خودآگاهی مردان بر خشونت علیه زنان تأثیر معناداری دارد.
- ۲- مدیریت رابطه با دیگران در بین مردان بر خشونت علیه زنان تأثیر معناداری دارد.
- ۳- خودمدیریتی مردان بر خشونت علیه زنان تأثیر معناداری دارد.

1. Holley, Yabikau & Benin

3. Violence Against Women Scale

5. Conflict Tactics Scale

7. Tolman

2. Smith, Ciarrochi & Heavn

4. Haj – Yahia

6. Straus

8. Radenberg & Fantuzzo

مقدار ضریب همسانی درونی یا آلفای کرونباخ در این پژوهش برای چهار عامل خودآگاهی ۰/۸۸، خودمدیریتی ۰/۸۷، آگاهی اجتماعی ۰/۸۵، مدیریت رابطه ۰/۸۶ و نمره کل هوش هیجانی ۰/۸۸ به دست آمد. دو نمونه از پرسش‌های پرسشنامه: «به توانایی‌های خود اعتماد دارید». «احساسات دیگران را درک می‌کنید».

روش اجرا و تحلیل

برای انجام این پژوهش، ۲۳۰ پرسشنامه هوش هیجانی برای مردان و ۲۳۰ پرسشنامه خشونت برای زنان در بین متأهلان شهر طبرس توزیع شد. با توجه به روش نمونه‌گیری از هر منطقه ۶۶ منزل انتخاب و با مراجعه به در منازل پرسشنامه‌ها تکمیل شد. در تحلیل داده‌ها از آزمون رگرسیون چندمتغیره به کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۹ استفاده شد.

نتایج

در این پژوهش تعداد ۲۳۰ زوج شرکت داشتند که حداقل سن مردان مورد مطالعه ۲۰ سال و حداکثر ۶۵ سال بود، سن زنان نیز در محدوده ۱۵ تا ۶۰ سال بود. به منظور ارتباط متغیرهای جمعیت‌شناختی از آزمون پیرسون استفاده شد (جدول ۱).

جدول ۱- بررسی رابطه متغیرهای جمعیت‌شناختی با خشونت علیه زنان

متغیر	خشونت علیه زنان
مدت ازدواج	ضریب همبستگی پیرسون ۰/۱۸-
	سطح معناداری ۰/۰۰۵
سن زن	ضریب همبستگی پیرسون ۰/۱۳-
	سطح معناداری ۰/۰۴

بر اساس جدول ۱، بین مدت ازدواج و سن زن با متغیر خشونت علیه زنان ارتباط معنادار و معکوسی وجود دارد. سایر متغیرها (سن مرد، تحصیلات زن و مرد و تفاوت سنی) رابطه معناداری را با خشونت علیه زنان نشان ندادند. برای تعیین اثر مؤلفه‌های هوش هیجانی و متغیرهای مدت ازدواج و سن زن، از رگرسیون چندمتغیره استفاده شد (جدول ۲).

(۱۹۹۵)، شاخص همسرآزاری هودسون و مک بنتاش^۱ (۱۹۸۱) و پرسشنامه رفتارهای خشونت‌ی شپارد و کیل بل^۲ (۱۹۹۲) اقتباس شده است. پرسشنامه سنجنش خشونت علیه زنان شامل ۳۲ پرسش و ۴ خرده‌مقیاس است. خرده‌مقیاس اول شامل پرسش‌های ۱ تا ۱۶ بوده و خشونت روانی را مورد سنجنش قرار می‌دهد. خرده‌مقیاس دوم شامل پرسش‌های ۱۷ تا ۲۷ بوده و خشونت فیزیکی را مورد سنجنش قرار می‌دهد. خرده‌مقیاس سوم شامل پرسش‌های ۲۸ تا ۳۰ بوده و خشونت جنسی را مورد سنجنش قرار می‌دهد. خرده‌مقیاس چهارم شامل پرسش‌های ۳۱ و ۳۲ بوده و خشونت اقتصادی را مورد سنجنش قرار می‌دهد.

بر پایه نتایج حاصل از اولین زمینه‌یابی فلسطینی‌ها در مورد خشونت علیه زنان که در مورد ۲۴۱۰ زن انجام گرفت، ضریب همسانی درونی یا آلفای کرونباخ برای چهار عامل آزمون حاج یحیی به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۸۶، ۰/۹۳ و ۰/۹۲ به دست آمد. پرسشنامه سنجنش خشونت علیه زنان را میترا خاقانی‌فر در دانشگاه الزهرا ترجمه کرده است و اعتبار آن را استادان متخصص تأیید کرده‌اند و ضریب همسانی درونی یا آلفای کرونباخ آن نیز با استفاده از نمونه ۶۰ نفری ۰/۹۷ به دست آمده است (خاقانی‌فر، ۱۳۸۵).

در این پژوهش نیز آلفای کرونباخ خشونت علیه زنان ۰/۸۲ به دست آمد که با توجه به اینکه مقدار ضریب به دست آمده از ۰/۷ بیشتر است، پایایی این ابزار قابل قبول است. دو نمونه از پرسش‌های پرسشنامه: «سعی کرده از طریق پرس و جو و تعقیب کردن، رفتار شما را کنترل کند». «علی رغم درآمد کافی نیاز شما را برآورده نکرده است».

مقیاس هوش هیجانی^۳: این آزمون دارای ۲۸ ماده است که به ۵ مقیاس هوش هیجانی کلی، خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت روابط، تقسیم می‌شود. این آزمون را برادبری و گریوز^۴ در سال ۲۰۰۵ ساخته‌اند. هنجاریابی این پرسشنامه در ایران را «گنجی و همکاران» (۱۳۸۴) انجام داده‌اند و آلفای کرونباخ برای چهار عامل خودآگاهی ۰/۷۳، خودمدیریتی ۰/۸۷، آگاهی اجتماعی ۰/۷۸، مدیریت روابط ۰/۷۶ و نمره کل هوش هیجانی ۰/۹ است. همچنین در گروه ۸۴ نفری دیگری (۴۵ پسر و ۳۹ دختر)، آزمون اجرا شده و ضریب اعتبار آن با استفاده از آلفای کرونباخ برای گروه‌های پسران و دختران و کل گروه ۰/۸۸ به دست آمده است. برای تعیین روایی، این آزمون به همراه آزمون هوش هیجانی بار-آن در یک گروه ۹۷ نفری اجرا شد که ضریب همبستگی ۰/۶۸ در سطح ۰/۹۹ معنی‌دار بود.

1. Hudson & Mac bntash
3. Emotional Intelligence Scale

2. Shepard & kill bill
4. Travis Bradberry & Jean Greaves

جدول ۲- نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی خشونت علیه زنان

متغیرهای پیش‌بین	b	SE	B	t	p
۱ خودآگاهی	-۰/۱۹	۰/۰۴	*-۰/۳۵	-۵/۸	۰/۰۴
۲ خودمدیریتی	-۰/۰۱	۰/۰۳	*-۰/۱۲	-۲/۲۹	۰/۰۲
۳ آگاهی اجتماعی	-۰/۰۹	۰/۰۴	** -۰/۱۷	-۱/۲	۰/۰۰۱
۴ مدیریت رابطه با دیگران	-۰/۰۱	۰/۰۴	** -۰/۲۳	-۲/۷	۰/۰۰۵
۵ مدت ازدواج	۰/۰۵	۰/۰۲	۰/۱۳	۰/۶۱	۰/۵۳
۶ سن زن	-۰/۰۷	۰/۰۱	*-۰/۱۹	-۵/۴۱	۰/۰۲
۷ R			۰/۳۱		
۸ R ²			۰/۱۰		
۹ F			۳/۶۰		

**P<۰/۰۱ * P<۰/۰۵

بهبود توانایی افراد در درک احساسات یکدیگر و به تبع آن باعث کاهش میزان خشونت روانی، اقتصادی، جسمی و جنسی در خانواده می‌شود.

از دیگر نتایج پژوهش تأثیر معنادار سن زن در پیش‌بینی خشونت علیه زنان بود. از آنجا که این رابطه معکوس و معنادار بود، زنان در سنین پایین‌تر خشونت بیشتری از طرف همسر تجربه کرده و با افزایش سن زن از خشونت علیه وی از طرف همسر کاسته می‌شود. در اوایل ازدواج (سن کم زنان) زوجین به دلیل شناخت ناکافی از یکدیگر و نداشتن مهارت‌های کافی برای ایفای نقش همسر با مشکل روبه‌رو شده و به احتمال بیشتری با همسرآزاری همراه است. این یافته پژوهش با نتایج مطالعات ربانی و جوادیان (۱۳۸۴)، اسلاملو و بوشهری (۱۳۸۶)، شعبانی و دیگران (۱۳۸۷) همسو است. این مطالعات نیز رابطه معکوس و معناداری را بین سن زن و خشونت علیه وی گزارش کرده‌اند.

مردانی که هوش هیجانی بالایی دارند، در درک هیجان‌های مثبت و منفی خود و همسرشان توانا هستند، توانایی همدلی دارند، مسؤلیت‌پذیرند و در برابر مشکلات زندگی صبر و تحمل دارند و قادرند در مواقع خشم و ناکامی بر خودشان غلبه کنند. مردان دارای هوش هیجانی بالا توانایی تنظیم و شناخت هیجان‌های خود مانند دلهره، عصبانیت و چگونگی مدیریت کردن این موقعیت‌ها را دارند و به طبع بهتر می‌توانند

در جدول ۲، نتایج تحلیل رگرسیون همزمان نشان داد که متغیرهای خودآگاهی، خودمدیریتی، مدیریت رابطه با دیگران، آگاهی اجتماعی مردان و سن زن پیش‌بینی‌کننده خشونت علیه زنان است (P<۰/۰۱). بنابراین تمامی مؤلفه‌های هوش هیجانی بر خشونت علیه زنان اثر معناداری دارند و فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شوند. همچنین سن زن نیز پیش‌بینی‌کننده خشونت علیه زنان به این صورت که با افزایش سن زنان خشونت علیه آنها از طرف همسر کاسته می‌شود (P<۰/۰۱).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی تأثیر هوش هیجانی مردان بر خشونت آنها علیه همسر بود که نتایج نشان داد هوش هیجانی مردان بر اعمال خشونت آنها علیه همسر تأثیر معناداری دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که هوش هیجانی پیش‌بینی‌کننده معناداری برای خشونت علیه زنان است و با توجه به مقدار بتا این تأثیر منفی است، یعنی هوش هیجانی مردان باعث کاهش خشونت علیه زنان می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش‌های رحمانی و قیصری‌پور (۱۳۸۶)، رقیبی و قره‌چاهی (۱۳۹۲)، یاراحمدیان (۱۳۹۰)، اورتس و تور-آنین (۲۰۰۸)، هالی، یاییکو و بنین (۲۰۰۶) همخوانی دارد. نتایج پژوهش‌های این پژوهشگران نشان داد که هوش هیجانی در سازگاری و رضایتمندی زناشویی تأثیر بسزایی دارد و باعث

منابع

- آبوت، پ.، والاس، ک. (۲۰۰۱). *جامعه‌شناسی زنان*. ترجمه نجم‌عراقی، م (۱۳۸۰). چاپ نهم: نشر نی.
- احمدی، ح.، زنگنه، م. (۱۳۸۳). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر خشونت شوهران علیه زنان در خانواده (مطالعه موردی شهر بوشهر)، *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*، جلد سوم، ص ۱۸۷-۱۷۲.
- اسلاملو، ح.، بوشهری، ب. (۱۳۸۴). بررسی همسرآزاری و برخی عوامل مؤثر بر آن در مراجعه‌کنندگان به مرکز پزشکی قانونی شهرستان ارومیه، *مجله پزشکی ارومیه*. ۱۸(۳): ۵۶۱-۵۵۴.
- اعزازی، ش. (۱۳۸۳). *خشونت خانوادگی و خشونت اجتماعی*. مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران. ص ۹۱-۷۹.
- اعزازی، ش. (۱۳۸۳). ساختار جامعه و خشونت، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ص ۸۴-۷۹.
- امینی، ی. (۱۳۸۶). بررسی نقش عوامل خانوادگی و اجتماعی بر خشونت علیه زنان (مطالعه موردی شهر سنندج)، مقاله ارائه شده در همایش آسیب‌های اجتماعی منطقه غرب کشور، ایلام.
- برادبری، ت.، گریوز، ج. (۲۰۰۵). *هوش هیجانی، مهارت‌ها و آزمون‌ها*، ترجمه مهدی‌گنجی، (۱۳۸۴). تهران: نشر ساوالان.
- خاقانی فرد، م. (۱۳۸۲). بررسی رابطه همسرآزاری با تمایل به افکار خودکشی و آسیب رساندن به همسر در زنان مورد خشونت قرار گرفته شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا.
- خانی، س. (۱۳۸۶). بررسی خشونت خانوادگی در میان خانواده‌های شهر دهگلان با تأکید بر خشونت علیه زنان. *مجله تخصصی جامعه‌شناسی*. ۱(۳).
- ربانی خوراسگانی، ر.، جوادیان، ر. (۱۳۸۶). بررسی رفتار زنان در برابر خشونت شوهر. *روان‌شناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)*. ۱۴(۲۵): ۳۰-۱۹.
- رحمانی، م.، قیصری‌پور، س. (۱۳۸۶). بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت‌مندی زناشویی در بین زوجین ۳۰ تا ۵۰ ساله شهر تهران، دومین کنگره ملی پاتولوژی خانواده. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱۸۷.
- رقیبی، م.، قره‌چاهی، م. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زنان و مردان در شرف طلاق و سازگار، *فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه*، ۴(۱)، ۱۴۰-۱۲۳.
- رمضانی، و.، عبدالمهی، م. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط هوش هیجانی با بروز و مهارت‌خشم در دانشجویان، *مجله روان‌شناسی*. ۱۰(۱).
- سیاروچی، ج.، فورکاس، ج.، مایر، ج. (۲۰۰۶). *هوش هیجانی در زندگی روزمره*. ترجمه جعفر نجفی‌زند، (۱۳۸۵). تهران: انتشارات سخن.

با موقعیت‌های دشوار روحی کنار بیایند و خشونت کمتر یا هیچ نوع خشونت را علیه همسر ابراز نمی‌کنند. در تعامل‌های پر از تنش و تعارض زندگی زناشویی، حتی شوهرانی که بسیار مقاوم و شکیبیا هستند، احساس درهم شکسته شدن می‌کنند و در مقابل علایم جسمانی و منفی شدیدی (مانند انقباضات و دردهای معده، افزایش ضربان قلب، تعریق کف دست، سردرد و...) که آنان را تهدید می‌کند، احساس ناتوانی، اضطراب و دستپاچگی می‌کنند. در چنین شرایطی، مردان ممکن است به صورت خودکار و غیرارادی خشمگین شوند. روی هم‌رفته و براساس یافته‌های مطالعات انجام‌شده بر روی تعامل‌های زندگی زناشویی، فرض می‌شود که اگر زوجین از عواطف همسرانشان آگاه شوند و بتوانند عواطفشان را به صورتی واضح و آشکار به یکدیگر اطلاع دهند و ابراز نمایند، زندگی بهتری خواهند داشت. برای این کار لازم است تا نسبت به علل، جوانب و پیامدهای عواطفشان بر زندگی زناشویی خود آگاه شوند. زوج‌های شاد و خوشبخت نسبت به زوج‌های ناسازگار، هم در اظهار و ابراز عواطف و هم در استنباط، تشخیص و دریافت عواطف، عملکرد بهتری از خود نشان می‌دهند. علاوه بر خشونت فیزیکی، مردان می‌توانند با خودآگاهی و مدیریت روابط، از خشونت روانی و خشونت اقتصادی نیز بکاهند. در نتیجه مردان از تحقیر و تهدید همسر، سرزنش خانواده همسر و انتقاد و بی‌اعتنایی به وی نیز می‌توانند با تکیه بر افزایش مسئولیت اجتماعی، کنترل تکانه‌ها و تحمل تنش‌ها دوری کنند. شناخت احساسات، ضعف‌ها و توانایی‌ها در غلبه و مهار خشم نقش مؤثری دارد (گلمن^۱، ۱۳۸۲).

در این پژوهش محدودیت‌هایی نیز برای پژوهشگران وجود داشت، از جمله اینکه این پژوهش بر روی متأهلان شهر طبس انجام گرفته و ممکن است در شهر دیگر با فرهنگ دیگر نتوان این نتایج را تعمیم داد. همکاری نکردن بسیاری از افراد برای شرکت در پژوهش و تکمیل نکردن کامل پرسشنامه‌ها نیز محدودیت دیگر پژوهش بود. همچنین پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی از ابزارهای هوش هیجانی با تعداد مؤلفه و خرده‌مقیاس بیشتر استفاده شود تا نتایج دقیق‌تر و کامل‌تر به‌دست آید.

تشکر و قدردانی

از تمامی زوج‌ها شرکت‌کننده در پژوهش که در انجام این پژوهش همکاری کردند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

- Haj-Yahia, M. (2001). Attitudes of Arab Women to Different Pattern Coping to Wife Abuse, *Journal of Interpersonal Violence*, 17: 221
- Holley, P., Yabiku, S.T., and Benin, M. (2006). The Relationship between Intelligence and Divorce. *Journal of Family Issues*, 27(12): 1723-1748.
- Mehrabian, A. (2000). Beyond IQ: Broad based measurement of individual success potential or emotional intelligence. *Genetic, Social & General Psychology Monographs*, 126(2), 102-133.
- Nelis D, Quoidbach J, Mikolajczak M, & Hansenne M. (2009). Increasing emotional intelligence: (How) is it possible: *journal of personality and Individual differences*. P; 36-37.
- Ortese, Tor- Anyin .(2008). Effects of emotional intelligence on marital adjustment of couple in Nigeria. *IFE Psychological*> Vol. 16. (2): 101- 112.
- Smith, L., Ciarrochi, J., and Heaven P.C.L. (2008). The stability and change of trait emotional intelligence, conflict communication patterns, and relationship satisfaction: A one-year longitudinal study. *Personality and Individual Differences*, 45: 738-743.
- سیاروچی، ج.، فورکاس، ج.، مایر، ج. (۲۰۰۴). هوش عاطفی در زندگی روزمره. ترجمه اصغر نوری امامزاده‌ای؛ حبیب‌الله نصیری، (۱۳۸۳). اصفهان: انتشارات نشر نو.
- شعبانی، س.، منصورنیا، ن.، منصورنیا، م.، بحرانی، ن. (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر همسرآزاری در زنان ارجاع‌شده به پزشکی قانونی شهر کرج در سال ۱۳۸۴. *مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی*. ۱۸(۴): ۳۹-۵۲.
- گلمن د. (۲۰۰۳). هوش هیجانی، توانایی‌های محبت کردن و محبت دیدن. ترجمه پارسا، ن. تهران: رشد؛ ۱۳۸۲.
- گنجی، ح.، میرهاشمی، م.، ثابت، م. (۱۳۸۴). هنجاریابی مقدماتی آزمون هوش هیجانی برادبری - گریوز، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ص ۲۳-۳۵.
- گیدنز آ. (۱۹۹۷). *جامعه‌شناسی*. ترجمه صبوری، م (۱۳۷۶). تهران: نشر نی.
- مرادی، گ.، زندی، ل. (۱۳۸۶). خشونت‌های خانوادگی و تأثیرات آن بر امنیت در جامعه مورد مطالعه شهر سنندج. *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*. سال چهارم، شماره ۲، ص ۱۲۷-۱۴۷.
- یاراحمدیان، ا.، هاشمی، ن.، عسگری، ک. (۱۳۹۰). تأثیر آموزش هوش هیجانی و مهارت‌های زندگی بر سازگاری زناشویی زوج‌های جوان، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۲(۴۴)، ۲۱-۳۴.